

نسبت حق محرمانگی و تکلیف به شفافیت در پیشگیری از پولشویی الکترونیکی

شهیار عبدالهی قهفرخی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

بتول پاکزاد*

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

حسن عالی پور

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده گان فارابی، دانشگاه تهران، ایران

محمدرضا الهی منش

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۲۲)

چکیده

دو گزاره «به هر اندازه که فناوری‌های نوین، انجام بزه را آسان‌تر کرده‌اند، به همان اندازه پیشگیری از بزه را دشوارتر» و «به هر اندازه که پیشگیری نیازمند تمرکزگرایی است، فضای سایبر تمرکزگرایز است»، به‌ویژه درباره پولشویی الکترونیکی صدق می‌کنند. دشواری پیشگیری از این پدیده تنها چهره فنی ندارد، بلکه دو ضلع دیگر نیز دارد: اصول و ارزش‌های حاکم بر محرمانگی داده‌های مالی و پولی اشخاص است که نهادهای مالی و پولی موظف به پشتیبانی از آن‌اند و ضلع سوم چنددستگی سیاست‌های جنایی رویارو با پولشویی الکترونیکی است. پولشویی الکترونیکی تحقق پولشویی از رهگذر تجهیزات و بستر الکترونیکی است که پیشگیری از آن، عرصه جدال میان حق محرمانگی در مبادلات مالی و پولی و تکلیف به شفافیت در این مبادلات است. هرچند نظام‌های حقوقی در نهایت تکلیف به شفافیت را برای رویارویی با پولشویی ترجیح می‌دهند، ولی واقعیت این است که در عمل، پیشگیری از پولشویی با دیوار بلند حق محرمانگی مواجه است که اقتضائات فضای سایبر، نگرش نهادهای مالی و پولی به حقوق مشتریان و نیز نگرش متفاوت کشورها در پیگیری پولشویی الکترونیکی در بستر جهانی، آن را رقیب جدی برای تکلیف به شفافیت معرفی کرده است. این مقاله براساس منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و به شیوه توصیف و تحلیل می‌کوشد تا چالش‌های پیشگیری از پولشویی الکترونیکی را از زاویه دو ارزش هم‌وزن یعنی حق محرمانگی و اصل شفافیت مالی بررسی کند و دستاورد نوشتار نیز همانا تأکید بر ایجاد توازن میان این دو ارزش است، به‌گونه‌ای که اصل، بر حفظ محرمانگی داده‌های مالی و پولی است و اصل شفافیت به‌صورت استثنا و توجیه‌شده می‌تواند حق محرمانگی را برای رویارویی با پولشویی الکترونیکی کنار بزند.

واژگان کلیدی

اصل شفافیت، پولشویی الکترونیکی، تراحم حق و اصل، پیشگیری از جرم، حق محرمانگی.

* d.b.pakzad@gmail.com

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0001-9028-4227>

مقدمه

پیشگیری از پولشویی الکترونیکی چهره‌ای ترکیبی از تدابیر پیشگیری از جرائم رایانه‌ای و جرائم سنتی و نیز چالش‌های هر دو دسته از جرائم را داراست. دلیل این موضوع در ماهیت پدیده پولشویی الکترونیکی نهفته است: گستردگی در مصادیق. پولشویی الکترونیکی از رفتار ساده دریافت عالمانه و عامدانه وجه اختلاس از طریق سامانه بانکی برای نگهداری موقت آن وجه برای مرتکب اختلاس به‌عنوان جرم منشأ شروع می‌شود تا به سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با بیت کوین برآمده از قاچاق مواد مخدر. در این گستردگی، گاهی رفتار پولشویی از طریق ابزارهای الکترونیکی انجام می‌گیرد، ولی چون رفتار و موضوع همان ارزش‌های بیرونی‌اند که در پولشویی سنتی نیز دیده می‌شود، در این حالت پولشویی الکترونیکی در اصل یک بزه سنتی قابل ارتکاب از طریق فضای سایبر است، ولی گاه رفتار پولشویی با ماهیتی متفاوت در فضای سایبر و بر روی موضوع‌های سایبری یعنی رمزارزها واقع می‌شود که چهره‌ای کاملاً رایانه‌ای به خود می‌گیرد. این ماهیت ترکیبی به‌همراه ثانوی و فرعی‌بودنش در قبال بزه منشأ، سبب شده است تا جایگاه پولشویی در سنجش با دیگر پدیده‌های مجرمانه در سیاست جنایی به‌ویژه از منظر پیشگیری متفاوت باشد.

پیشگیری از پولشویی الکترونیکی با دو دسته از چالش‌ها روبه‌روست: چالش‌های ماهیتی که مرتبط با عناصر تشکیل‌دهنده پولشویی است و چالش‌های پیرامونی که تابع سه عامل مهم است: اقتضای محرمانگی فضای سایبر، مفهوم متفاوت زمان و مکان در فضای سایبر و میزان و کیفیت همکاری‌های بین‌المللی در کنترل فضای سایبر. این نوشتار بر چالش محرمانگی و پیوندش با اصل شفافیت متمرکز می‌شود که خود منشأ چالش‌های دیگر در پیشگیری از پولشویی است.

برجستگی چالش محرمانگی در همان ماهیت ترکیبی پولشویی الکترونیکی است که از فضای سنتی آغاز می‌شود و به تغییراتی در مفهوم و ویژگی‌ها به فضای سایبر می‌رسد. فضای سایبر برگرفته از یک نماد است و آن داده و اطلاعات است. داده همچون خون بدن این فضا است که همه فعالیت و برنامه‌ها بر وجود آن استوار است. سپهری که همه مایه و بنیاد آن را داده یا اطلاعات تشکیل می‌دهد، بنیادی‌ترین مؤلفه امنیتش، همانا محرمانگی است. محرمانگی ویژگی ذاتی فضای سایبری است و به همین دلیل بالاتر از اصل دیگری به‌عنوان اصل امنیت رایانه‌ای دانسته می‌شود. زمانی که محرمانگی داده و سامانه با محرمانگی اطلاعات سنتی و غیررایانه‌ای همراه می‌شود، ارزش دوچندان می‌یابد. یکی از جلوه‌های مهم محرمانگی در نزد انسان، دارایی آنهاست، به‌ویژه هنگامی که به سیمای وجه یا حساب بانکی درمی‌آید. با رایانه‌ای شدن حساب‌های بانکی، اطلاعات حساب‌ها و تراکنش‌های مالی، محرمانگی حوزه پولی و بانکی دوچندان می‌شود که هم از بعد ارزش جدید یعنی محرمانگی داده است و هم از بعد ارزش قدیمی یعنی اطلاعات مالی.

اگرچه درباره پولشویی از برخی ابعاد تحقیقاتی انجام گرفته، از آنجا که محور مقاله نسبت دو ارزش یعنی شفافیت مالی و محرمانگی است، سابقه پژوهشی مشخص در ادبیات تحقیقی در ایران ندارد. با وجود این به پاره‌ای از مقالات اشاره می‌شود:

در مقاله «چالش جمع بین منافع عمومی و حقوق خصوصی در رازداری بانکی»، ضمن بیان پایبندی کشورها به قواعد کلی رازداری تأکید شده که به منظور حفظ منافع عمومی، تأمین منافع اقتصادی و پیشبرد سیاست‌های داخلی استثنایی را در این خصوص وضع کرده‌اند. لزوم دسترسی به اطلاعات مشتریان براساس حکم قانون، دستور مقامات قضایی، جلوگیری از وقوع جرائم یا پیگیری آن، مقابله با فرار مالیاتی، جلوگیری از ورود پول‌هایی با منشأ نامشروع به چرخه اقتصادی کشورها، کمک به برقراری نظم و امنیت داخلی و جهانی از طریق کشف و گزارش منابع مالی گروه‌های تروریستی، مواردی است که در سطح داخلی و بین‌المللی به‌عنوان موارد مجاز افشای اطلاعات بانکی مشتریان مورد اجماع قرار گرفته است. البته این موضوع نباید فرصت سوءاستفاده نقض گسترده حریم خصوصی اطلاعاتی مشتری را فراهم سازد و آن را به رویه‌ای معمول در نظام بانکی تبدیل کند. همچنین تأکید شده است در پیش گرفتن هرگونه خط‌مشی در این زمینه باید با ملاحظه منافع داخلی و البته روابط بین‌المللی صورت گیرد. بدیهی است کشورها در مقام اولویت‌بخشی به منافع عموم و نقض رازداری یا تشدید آن، حق سوءاستفاده و تجاوز نامشروع به حوزه خصوصی مشتریان خود را نخواهند داشت (باقری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۹۴-۴۷۵).

مقاله «تعهد به رازداری بانکی و قلمرو آن در حقوق بانکی ایران» به بیان مبانی و قلمرو رازداری بانکی در حقوق ایران پرداخته و ضرورت قانونگذاری در این زمینه به‌طور خاص را متذکر شده است (خوردندان و فلاح دخت درب قلعه، ۱۳۹۶).

در مقاله «تعهد به رازداری بانکی و قلمرو آن در حقوق بانکی ایران» نگارنده با بیان تأثیر و تبعات منفی پولشویی بر اقتصاد کشورها و نیز بر اقتصاد بین‌المللی و امنیت جهانی، به اقدام‌های نهادهای بین‌المللی و مراجع تخصصی متعدد در سراسر جهان در مبارزه با آن پرداخته که با گسترش ادبیات نظری، تدوین استانداردها، پیشنهاد رویه‌های نظارتی، انتشار تجارب عملی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی، تلاش وافر را صرف کرده‌اند تا احتمال سوءاستفاده از نهادهای مالی را به حداقل ممکن کاهش دهند و نتیجه‌گیری شده است که با وجود افزایش پیچیدگی‌ها و دامنه عملکرد این پدیده و رای مرزهای مرسوم بین‌المللی، اعتقاد صاحب‌نظران بر این است که کماکان ابعادی از آن قابل کنترل است (عامری، ۱۳۹۷).

این نوشتار با پیش‌فرض چندگانگی و چندگونگی تدابیر پیشگیری از پولشویی الکترونیکی، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که چنین تدابیری تا چه اندازه، حد و مرز رابطه میان شفافیت

و محرمانگی را ترسیم می‌کنند. از یک سو محرمانگی داده‌های مالی در فرایند فعالیت‌های بانکی و پولی بر تدابیر پیشگیرانه اولویت دارد، چون محرمانگی، نخستین ارزش برای داده‌های رایانه‌ای و نیز حساب‌ها و تراکنش‌های پولی است و نادیده گرفتن آن به معنای از میان برداشتن یکی از حساس‌ترین حوزه‌های محرمانگی شهروندان یعنی اطلاعات مالی و دارایی آنها خواهد بود. از این رو تدابیر پیشگیرانه باید راه به‌سوی کدهای رفتاری و اخلاقی‌سازی فعالیت‌های بانکی گام بردارد تا پیشگیری وضعی که متضمن مداخله پیشینی در موقعیت شکل‌گیری پولشویی و برهم زدن فرصت تحقق آن است. از سوی دیگر در پولشویی نقض محرمانگی به معنای واقعی نسبت به داده‌های رایانه‌ای صورت نمی‌گیرد، بلکه تنها چالشی است برای حساب‌های بانکی و تراکنش‌های مالی که امروزه به‌صورت رایانه‌ای درآمده‌اند. در این چالش باید جانب کدام را گرفت یا اینکه چه معیارهایی را در نظر گرفت که بتوان این دو ارزش را به هم نزدیک کرد؟ این نوشتار درصدد بررسی تعارض میان دو ارزش، سپس رابطه این دو با محوریت فضای سایبر است:

۱. پیشگیری از پولشویی؛ تدابیر سایبری و تدابیر سنتی

پیشگیری از پولشویی الکترونیکی به تدابیر ترکیبی از راهکارهای برهم‌زننده فرصت تحقق پولشویی در فضای الکترونیکی، اقدام‌های تأمینی و فوری در رویارویی با عملیات مالی و بانکی مشکوک و پیشگیری از تداوم عملیات مالی مجرمانه است. بدین‌سان پیشگیری از پولشویی با پیشگیری از جرائم منشأ قابل مقایسه نیست و به یک رشته تدابیر پویا، پیوسته و تحول‌پذیر گفته می‌شود که پس از وقوع جرم منشأ، فعال می‌شوند و تا هنگامی که عواید حاصل از جرم در تملک یا تصرف پولشو قرار دارد، تداوم می‌یابند.

پولشویی الکترونیکی محصول تبادل و ارتباط است و تبادل و ارتباط نیز برآمده از فعالیت‌های فرامرزی است. با چنین وصفی «دولت‌ها در یافتن راهکارهای پیشگیرانه براساس تدابیر صرفاً ملی، به بن‌بست می‌خورند، زیرا دولت‌ها عادت به بازیابی سنتی دارایی‌های نامشروع دارند که با پولشویی سازگاری ندارد» (Cassella, 2019: 8). بنابراین تدابیر پیشگیری از پولشویی سنتی با تدابیر پیشگیری از پولشویی الکترونیکی را می‌توان در چهار معیار فرق گذاشت که نخستین معیار، اولویت ملی بودن تدابیر پیشگیری از پولشویی سنتی و بین‌المللی بودن تدابیر پیشگیری از پولشویی الکترونیکی است. غیر از این، سه معیار دیگر به شرح زیر است: پیشگیری از پولشویی سنتی به‌صورت عملیاتی، تأمینی و پلیسی است، یعنی تدابیر برآمده از یک سری عملیات مرتبط با کنترل بانکی، اقدام‌های تأمینی فوری و کنش‌های ضابطان دادگستری. پیشگیری از پولشویی الکترونیکی به‌صورت فنی، حفاظتی و پیوندی است؛ یعنی راهکارهای پیشگیرانه با بهره‌گیری از

نرم افزارهای رایانه‌ای با رویکرد حفاظت و دیوارکشی در برابر مبادله‌های مالی و پولی قانونی و در نهایت ایجاد پیوند میان اعتبار مبادله‌های الکترونیکی با مجوزها و تأییدهای سنتی است. در رویکردهای جدید برای پیشگیری از پولشویی الکترونیکی مانند «متمرکز کردن فعالیت‌های بانکی، دسترسی همزمان مقامات بانکی و قضایی به اطلاعات مالی ثبت شده یا در حال تبادل و مانند اینها همچنان چالش حفاظت از داده‌های مؤید تبادل اطلاعات باقی مانده است» (Pavlidis, 2020: 371). این چالش‌ها در اصل حول محور میزان کارآمدی تدابیر پیشگیری از پولشویی الکترونیکی نمی‌چرخد، بلکه در پیوند با رابطه محرمانگی و شفافیت است.

۲. پیوند دو ارزش: محرمانگی برای پول و شفافیت برای پولشویی

پولشویی در دو بعد ماهیتی و شکلی تعریف می‌شود. در بعد ماهیتی، تحقق عالمانه و عامدانه یکی از رفتارهای مذکور در قانون در طول جرم منشأ است. در این تعریف، پولشویی وابسته به جرم منشأ است و عبارت است از رفتارهای متضمن دستیابی به عایدی جرم منشأ (تحصیل، تملک و استفاده یا نگهداری) یا رفتارهای متضمن رهاسازی عادی جرم منشأ در فعالیت‌های مالی و اقتصادی (تبدیل، مبادله یا انتقال) یا رفتارهای متضمن مخفی کردن منشأ عواید (کمک به مرتکب جرم منشأ یا پنهان یا کتمان کردن فعالیت‌های مرتبط با جرم منشأ). رفتارهای دسته دوم که بر رهاسازی عواید دلالت دارند، مفهوم رایج پولشویی را شکل می‌دهند که بیشتر از رفتارهای دو دسته دیگر از طریق فضای سایبر ارتکاب می‌یابند، زیرا انتقال یا مبادله مال به‌طور مستقیم از طریق بانکداری الکترونیکی است یا با محوریت آن.

از نظر شکلی، واحد اطلاعات مالی کشورها و منطقه که براساس رهنمودهای گروه ویژه اقدام مالی فعالیت می‌کند، «پولشویی را فارغ از جرم منشأ می‌داند که به هر نوع ارتباط جنایی با رفتار مجرمانه شدید ارتکاب یافته در هر کشوری اطلاق می‌شود» (Silathong, 2021: 65). در این مفهوم چهره الکترونیکی پولشویی پررنگ‌تر است، زیرا در یک سیاست جهانی مبارزه با پولشویی، سایبری و الکترونیکی شدن پولشویی جدی‌ترین چالش در رویارویی با این پدیده است.

محرمانگی پول الکترونیکی به فضای سایبر و حوزه بانکداری وابسته است. پول الکترونیکی مفهومی عام هم برای داده‌ها یا اطلاعات مؤید مال یا پول سنتی است که اغلب در تراکنش‌های بانکداری الکترونیکی مطرح می‌شود و هم برای نمادهای مستقل دیجیتال که دارای ارزش یا همان رمزارزها هستند. نسبت به پول الکترونیکی، محرمانگی از دو زاویه مطرح می‌شود؛ یکی از زاویه اقتضات فضای سایبر و دیگری از زاویه بانکداری که براساس حفظ اسرار بانکی مشتریان استوار است. این واقعیتی انکارناشدنی است که شهروندان بخشی از دارایی خود را که زمانی در خانه یا

حتی پستوی خانه خود نگه می‌داشتند، به بانک انتقال داده‌اند، ولی مایل‌اند همچون گذشته، وضعیت محرمانگی آن پاس داشته شود. بنابراین مشتریان در پی محرمانگی اطلاعات مالی خود هستند و در وهله دوم نیز این بانک‌ها هستند که بنای فعالیت خود را بر رازداری می‌گذارند تا به واسطه اعتماد و رضایت مشتریان، بتوانند به فعالیتشان ادامه دهند. ارتباطات بانکی و مؤسسات مالی نیز همین وضعیت را دارد؛ یعنی در ارتباطات مؤسسات مالی با هم در درون سرزمین و نیز ارتباطات بین‌المللی، حفظ محرمانگی یکی از اولویت‌هاست؛ ولی چنین اولویت‌هایی، خود چالش‌های مهمی در راستای پیشگیری از پولشویی الکترونیکی ایجاد می‌کند.

محرمانگی داده‌های مرتبط با پول و حساب‌های بانکی از جمله حقوق مهم مشتریان بانک‌ها و مؤسسات مالی است؛ به‌ویژه با شیوع کرونا در آغاز سال ۲۰۲۰ در جهان، اطلاعات شخصی و مالی مشتریان اعم از اشخاص حقوقی و حقیقی، بیشتر از گذشته به سمت داده‌ای شدن رفته است. مشتریان نیز با توجه برنامه‌های رایانه‌ای جدید، به مانند گذشته برخی از اطلاعات خود را روی کاغذ یا حتی رایانه‌های شخصی نمی‌آورند و در همان وسایل الکترونیکی دم دستی مانند گوشی همراه ذخیره می‌کنند. برای مشتریان، در درجه اول امنیت حساب بانکی و تراکنش‌های مالی ملاک است و مهم‌ترین مؤلفه امنیت در اینجا، محرمانگی است. البته داده‌های مالی و بانکی خود تابعی از مفهوم کلی‌تر یعنی داده رایانه‌ای است که محرمانگی، صحت، تمامیت و دسترس‌پذیری، اصول امنیت آن را شکل می‌دهند.^۱ ولی در این میان، محرمانگی از همه این اصول و مؤلفه‌ها مهم‌تر است. علت این اهمیت، ارتباط تنگاتنگ فضای الکترونیکی با داده و اطلاعات است و برای داده و اطلاعات، هیچ اصلی مهم‌تر از این نیست که محرمانگی آن در برابر اغیار و دولت و نهادهای عمومی حفظ شود.

کوشش برای حفظ محرمانگی داده‌ها نه تنها دغدغه مشتریان نهادهای مالی به‌شمار می‌رود که نهادهای مالی نیز به‌عنوان طرف دیگر این محرمانگی که امین نامیده می‌شود، تلاش برای حفظ خواسته امانتگذار دارند. این تلاش دوجانبه می‌تواند همکاری نهادهای مالی و خود مشتریان با متصدیان پیشگیری از پولشویی الکترونیکی را تحت تأثیر قرار دهد. حتی دولت‌ها نیز خود را پایبند رازداری بانکی می‌دانند. از این رو گفته می‌شود «برای پولشو، خدمات بانکی اهمیت بیشتری دارد تا مبلغی که در بانک دارد. بانک الزامی به پرداخت سود با نرخ بالا به پولشو ندارد. نقش مقررات رازداری بانکی در پولشویی به‌طور پیوسته مورد توجه قرار می‌گیرد، ولی مهم‌تر از آن

۱. مثلث CIA شامل Confidentiality, Integrity, and Availability محور اصلی امنیت اطلاعات و ارتباطات شناخته می‌شود که نخستین‌بار در مؤسسه ملی استاندارد و فناوری (NIST) وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۷ به آن اشاره شده است (رک: A. J. Neumann, N. Statland and R. D. Webb, 1977: 11-3--11-4).

شناسایی صاحبان سوده‌های بانکی است» (Alldridge, 2003: 270). نقش بنیادین پول الکترونیکی در جهان امروز سبب شده تا مثلث مشتریان، مؤسسه‌های مالی و دولت‌ها هر یک بنا به دلایلی از زاویه دید خود، در پی محرمانگی باشند. به سخن دیگر، رازداری بانکی روی دیگر سکه رازخواهی مشتریان است. برای نهادهای بانکی و مالی اهمیتی ندارد که مشتری پول خود را از چه راهی به دست آورده است. در نظرشان، گرایش شهروندان به انتقال ثروت خود از خانه به بانک و استفاده تجاری و سودگرایانه از آن، ملاک افتتاح حساب یا فعالیت مرتبط با آن است. از این رو این نهادها خود را در ضلع سوم می‌بینند که دو ضلع دیگرش مشتریان و نیز نهادهای پیگیرانه و پیشگیرانه از پولشویی است. نهادهای مالی و بانکی، با این حال در میانه رازداری بانکی و شفاف‌سازی حساب‌ها برای متصدیان قرار گرفته‌اند که به هر حال ترجیح خودشان در رازداری بانکی است.

هرچند با قدرت‌گیری مراجع بین‌المللی و داخلی مبارزه با پولشویی، رازداری بانکی همانند گذشته اهمیت ندارد، ولی حتی در جایی که نهادهای مالی و بانکی در میانه رازداری بانکی و جلب نظر مشتریان از یک سو و همکاری با نهادهای پیشگیری و پیگیری از جرم قرار دارند، این وضعیت خود می‌تواند چالشی برای پیشگیری از پولشویی الکترونیکی باشد، زیرا این وضعیت، برای نهادهای مالی حق یا موقعیت انتخاب میان مشتری و دستگاه قضایی و پلیسی را ایجاد می‌کند که چنین موقعیتی می‌تواند تردیدهایی را برای همکاری واقعی نهادهای مالی و بانکی با دستگاه قضایی و پلیسی به وجود آورد. علت اصلی این تردید همانا نگرش بانک‌ها به میزان سرزنش‌پذیری پولشویی الکترونیکی است. بانک‌ها و نهادهای مالی پولشویی را پدیده‌ای ساختگی و جدید و غیرقابل مقایسه با پدیده‌هایی چون سرقت مسلحانه از بانک یا اختلاس یا اخلال در امور بانکی و مالی می‌دانند و همین نگرش می‌تواند بانک‌ها را با پدیده‌ای رویارو کند که به‌ویژه در ایران از حیث شرعی و فرهنگی چندان سرزنش‌پذیر نبوده است.

محرمانگی ارتباطات، مفهومی عام ناظر بر ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی است. این ویژگی که نهادهای مالی ممکن است در سطح داخلی با نهاد قضایی و پلیسی کشور متبوع خود همکاری کنند، ولی زمانی که یک تراکنش یا جابه‌جایی بین‌المللی مطرح می‌شود، گرایش کمتری برای این همکاری وجود دارد، خود به چالشی برای پیشگیری از پولشویی الکترونیکی بدل شده است. از سوی دیگر شفافیت ارزشی بنیادین، فراگیر و جهانی است. شفاف‌سازی نخستین گام برای مبارزه با فساد و تبعیض و از راهکارهای بسیار مهم برای تحقق اهداف عالی مقرر در قانون اساسی کشورهاست. شفاف‌سازی همچنین دایره اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، اطلاعات مصلحتی، اطلاعات دولتی و حکومتی و دیگر اطلاعاتی را که به هر دلیلی از شهروندان دریغ می‌شود، محدود می‌کند تا

در حکمرانی مطلوب اصل بر شفاف‌سازی و علنی بودن اطلاعات و ارتباطات در همه ابعاد آن باشد.

اصل شفافیت اقتصادی بین‌المللی دارد و این ویژگی تابعی از ماهیت جهانی اقتصاد است. روش‌ها و سیاست‌های اقتصاد که تابع الگوهای جهانی است، سبب می‌شود قواعد و اصول شفافیت نیز همچون قواعد اقتصاد چهره‌ای فراملی داشته باشند. از این رو شفافیت اصلی برآمده از اراده جهانی یا اکثریت کشورهاست و به‌واقع از سطح بین‌المللی به سطح ملی تزیق می‌شود. جایگاه درونی، ملی و فردی رازداری یا محرمانگی در برابر جایگاه بیرونی، فراملی و جمعی شفافیت، پیوند این دو را به‌خوبی نشان می‌دهد: پیوندی حاکی از تعارض. در قبال مبارزه با پولشویی این پیوند بسی آشکارتر می‌شود، زیرا در دو دهه اخیر، مهم‌ترین مرجع مبارزه با این پدیده، گروه ویژه اقدام مالی است که با نگرش جهانی به اقتصاد، می‌کوشد تا با دسته‌بندی کردن وضعیت اقتصادی کشورها و میزان ریسک پولشویی در آنها، پولشویی را دیدبانی کند. نیروی تأثیرگذاری گروه ویژه اقدام مالی آنچنان بالاست که دولت ایران که عضو هیچ‌یک از گروه‌های منطقه اف‌ای‌تی اف نیست نیز عموم مقررات ضدپولشویی خود را به‌خواست این گروه تنظیم کرده است. بنابراین پولشویی از معدود جرائمی است که در بستر همکاری‌های بین‌المللی معرفی شده و تدابیر رویارویی با آن نیز محصول اراده بین‌المللی است. از این رو دولت‌ها متعهد به پیشگیری از پولشویی باید عموماً از راهکارهای بین‌المللی پیروی کنند. ولی اگر در کشوری پیروی از این راهکارها کم‌رنگ باشد یا نظام حقوقی کشوری در راستای بومی‌سازی، پولشویی را وفق دیدگاه خود معرفی کند، در این صورت چالش پیوند محرمانگی و شفافیت عمیق خواهد بود. حتی همکاری کشورها براساس اصل محرمانگی یا رازداری بانکی از اصل مهم دیگر یعنی تقابل نیز تبعیت می‌کند و «به اشتراک‌گذاری اطلاعات با همتایان خارجی در مبارزه با پولشویی یا پیشگیری از آن، براساس اصل متقابل و محرمانه بودن است» (Lee, 2004: 92). این معامله متقابل به‌عنوان اصل قدیمی در روابط کشورها، همچنان بر تدابیر پیشگیری از پولشویی سایه انداخته است.

۳. بایستگی فضای سایبر در پیوند محرمانگی و شفافیت

پیشگیری از وقوع پولشویی الکترونیکی در اولین گام خود، با این چالش روبه‌روست که موازین و تدابیر پیشگیری از وقوع جرم در فضای بیرونی و فیزیکی ممکن است متناسب فضای الکترونیکی نباشد. تفاوت محیط الکترونیکی با فضای بیرونی اغلب حول محور گستره مکانی، سرعت و وسعت مبادلات اطلاعاتی و ویژگی برجسته گمنامی است.

محیط جهانی سایبر، عمقی به نظر ناشناخته‌تر از زمین دارد، به‌گونه‌ای که محیط تاریک یا عمیق وب، می‌تواند با اعماق زمین قابل مقایسه باشد. همین مقایسه، پرده از سه چالش اساسی در زمینه پیشگیری از پولشویی را برمی‌دارد: نخست اینکه محیط الکترونیکی محیطی جهانی شده و فراتر از مرزهاست، درحالی‌که تدابیر پیشگیرانه اغلب چهره ملی دارند و تا با پشتوانه همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه همراه نشوند، تأثیری در فراسوی مرزها ندارند؛ دوم اینکه محیط الکترونیکی در جایی که محوریت با تارنماهای قابل مشاهده باشد، قابل کنترل و پیشگیری است ولی سطح عمیق یا تاریک فضای سایبر، فضایی بدون کنترل است که دور از دسترس تدابیر پیشگیرانه می‌نماید؛ سوم اینکه اگر در فضای طبیعی، استقرار برای انسان‌ها و پدیده‌ها اولویت داشته باشد، ولی فضای الکترونیکی بر سیالیت است و نه استقرار و از همین رو، گستره مکانی در فضای الکترونیکی را بر پایه جابه‌جایی داده قرار می‌دهد.

محیط الکترونیکی محیطی شبیه ابتدای شکل‌گیری زیست‌انسانی در جهان است که فردیت بر جمعیت یا جامعه بودن ارجحیت دارد. این فضا چه‌بسا ذاتاً فردگراست و نتوان برای آن چهره جمعی در نظر گرفت. دلیل این مسئله ویژگی ذاتی فضای سایبر از یک سو و اقتضائات زیست‌جمعی از سوی دیگر است. از این رو محیط الکترونیکی می‌تواند بخشی از تدابیر پیشگیرانه موسوم به تدابیر اجتماعی را که چهره همگانی دارد، به چالش بکشد. از سوی دیگر فردیت فضای الکترونیک و اولویت حریم خصوصی در آن، به چالشی مهم‌تر برای تدابیر پیشگیرانه از پولشویی الکترونیکی به نام گمنامی منتهی می‌شود. ناشناس ماندن کاربران تلاشی افراطی برای حفظ حریم خصوصی است، ولی به همان اندازه می‌تواند در ناکامی تدابیر پیشگیرانه نیز مؤثر باشد. سپس ویژگی‌های پیش‌گفته به ارتکاب جرائمی منتهی می‌شود که در پس پرده رخ می‌دهند و دیگر از مفهوم جرائم مشهود نمی‌توان سراغ گرفت که براساس آنها بتوان تدابیر پیشگیرانه را ملاک قرار داد.

پولشویی الکترونیکی امروزه پیوند تنگاتنگی با رمزارزها برقرار کرده است. پول سایبری اگرچه از حیث رسمی و قانونی بودن ارز در نزد دولت‌ها زیر سؤال است، واقعیتی همچون ارزهای رایج دارد؛ چندانکه «ماهیت پویای فناوری پول سایبری، تعریف رسمی از پول الکترونیکی را زیر سؤال برده است. درحالی‌که چرخه زندگی پول سایبر فراتر از مرحله زایش آن رفته، ولی هنوز پیشرفت‌های عمده فنی و سازمانی رخ نداده است. کارت‌های هوشمند چنان هوشمند خواهند شد که با ترکیب بسیاری از برنامه‌ها، این قطعه پلاستیکی تراشه‌ای به اندازه کیف پول را به یک پیوند ضروری برای دارندگان خود به دنیای خارج تبدیل خواهد کرد. این کارت‌ها دیگر به دستگاه‌های اتصال وابسته نخواهند بود و به‌تنهایی فعال می‌شوند. کاربران را با لمس شناسایی و ذخیره کرده و

همچنین اطلاعات گسترده‌ای را پردازش می‌کنند» (Guttman, 2003: 10). از این رو پولشویی الکترونیکی افزون بر اموال و دارایی‌ها و نیز تمامی ارزش‌های رسمی، ارزش‌های جدید و غیررسمی مانند رمزارزها را نیز در برمی‌گیرد.

با توجه به اینکه پولشویی به سمت پول سایبری حرکت می‌کند، در این حالت محرمانگی یا گمنامی می‌تواند چالشی برای شفافیت باشد، زیرا رسمیت ارز یا مال می‌تواند در قالب شفاف‌سازی مبادلات درآید، ولی هنگامی که پول سایبری مطرح می‌شود و اعتبار خود را صرفاً بر اساس عرضه و تقاضا در محیط سایبر می‌یابد، در این حال آنچه با ویژگی و ماهیت چنین ارزی همخوانی دارد، در واقع رازداری و گمنامی است، به‌ویژه اینکه نقش رمزارز در جرائم منشأ چون قاچاق و سپس در پولشویی در قسمتی از تارنمای معروف به تارنمای عمیق برجسته می‌شود.

۴. جایگاه نظام پولی و بانکی در پیوند محرمانگی و شفافیت

تحولات بانکی با رایانه‌ای شدن امور خود به سمت حذف موانع و چالش‌های پیش‌روی مشتریان در محیط فیزیکی حرکت کرده است. این روند طبیعی، فعالیت مالی و بانکی را به سمت در سایه یا حتی سیاهی قرار گرفتن برده است. «با حذف تعامل شخصی بین مشتری و مؤسسه، بسیار مشکل می‌توان فهمید که چه کسی به‌طور واقعی حساب را کنترل می‌کند و چه چیزی صحت عملکرد تجاری را تأیید می‌کند. مؤسسات مالی به‌صورت عادی تنها قادر به تعیین این نکته هستند که یک حساب خاص صرفاً در یک زمان خاص قابل دسترسی است. بانک تنها قادر است معین کند که دسترسی به وسیله نگره‌دارنده حساب صوری صورت می‌گیرد و هیچ روشی برای تعیین محلی که مشتری تراکنش را انجام می‌دهد، وجود ندارد» (حبیب‌زاده و میرمجیدی، ۱۳۹۰: ۳۲).

به‌تبع الکترونیکی شدن، بانک‌ها و نهادهای مالی نیز به اصل گمنامی و رازداری در فضای سایبر بی‌میل نیستند، چون چنین بستری با اساسنامه و هدف آنها، که تحصیل سود است، مطابقت دارد. از سوی دیگر، همین تعامل مشتری و بانک سبب شکل‌گیری خطر یا ریسک در سطح گسترده و عمیق می‌شود که حتی برای نظارت‌های بانکی نیز امری چالش‌برانگیز می‌گردد. در این زمینه «دو گونه گستره از خطر را می‌توان در عمل تشخیص داد که عبارت‌اند از: «خطرپذیری»، جایی که اقدامی برای فرصت‌جویی انجام می‌شود، درحالی‌که احتمال رویارویی با خطرها وجود دارد و «در معرض خطر بودن»، که تهدیدی از سوی عامل‌های بیرونی است. در هر دو مورد یک مشکل اساسی وجود دارد و آن اینکه ناظر باید بدون اطمینان فعالیت خود را شروع کند. نیازی به تمایز بین خود ریسک و آگاهی از ریسک نیست، زیرا عدم آگاهی داخل در عدم اطمینان است. ناظر شرایط را درک و سپس نوعی از ساختار فکری را معرفی می‌کند که واسطه است و ابهام عدم

اطمینان را به خطر تبدیل می‌کند. ریسک چیزی است که قابلیت نمایش دارد. از طرف دیگر عدم اطمینان وضعیت ذهنی است که ناشناخته است و قابل فهم نیست» (Demetis, 2010: 133).

پولشویی نه تنها عملکرد بانک‌ها، بلکه به تدریج نظارت و حسابرسی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که در کشورهای مختلف به وضعیت اداری و اقتصادی متفاوت، نظارت و حسابرسی می‌تواند از یک بعد نقش تدابیر ضد پولشویی داشته باشد، ولی از سوی دیگر «می‌تواند زمینه‌ساز عدم تحقق مبارزه با پولشویی یا حتی بسترسازی برای ارتکاب آن باشد» (والش، ۱۳۹۷: ۱۲۳). این پدیده «می‌تواند حق الزحمه حسابرسی را به دو صورت تحت تأثیر قرار دهد؛ نخست از طریق از بین بردن کیفیت گزارشگری مالی است که در بسیاری از پژوهش‌های حسابداری و مالی، کیفیت گزارشگری مالی میزان صداقت مدیران در ارائه اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف شده است. ... گزارش حسابرس با آگاهی ایشان از خسارت‌های ناشی از تقلب و فساد در گزارشگری مالی، که می‌تواند به پولشویی نیز مربوط باشد، تأثیر می‌پذیرد. بدین صورت می‌توان اظهار داشت پولشویی باعث افزایش ریسک مرتبط با تحریفات مالی می‌شود که در نتیجه به تلاش و حق الزحمه حسابرسی بیشتر منتج می‌شود» (ابراهیمی کردلر و همکاران ۱۳۹۸: ۶۹). «عامل مؤثر دوم تقویت ریسک حسابرسی در مواردی غیر از کیفیت گزارشگری مالی است. پولشویی می‌تواند با افزایش ریسک تجاری صاحبکار، باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی شود... حق الزحمه حسابرسی با ریسک‌های مالی، عملیاتی و تجاری رابطه مستقیم و معناداری دارد و مؤسسه‌های حسابرسی حق الزحمه حسابرسی بالاتری را برای شرکت‌هایی که دارای ریسک‌های مذکور هستند، مطالبه می‌کنند. در واقع حسابرسان احتمالاً صاحبکارانی را که قانون مبارزه با پولشویی را رعایت نمی‌کنند، پرریسک‌تر در نظر می‌گیرند و رفتار مدیران را متأثر از این عدم رعایت قوانین در نظر می‌گیرند» (ابراهیمی کردلر و همکاران ۱۳۹۸: ۷۱-۷۰).

۵. ماهیت پولشویی در تضاد شفافیت و محرمانگی

پولشویی پدیده‌ای نو در نظام کیفری کشورها و وابسته به نوع حکومت، نوع اقتصاد و بسترهای فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است. در ایران، پیشگیری از پولشویی بدون نظر گرفتن بسترهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر نیست، از این رو ممکن است پیش از اینکه تضاد میان شفافیت در امور بانکی و رازداری بانکی مطرح شود، ماهیت و جایگاه پولشویی در نظام اقتصادی و کیفری ایران، خود جانب محرمانگی را بگیرد و شفافیت را از میان بردارد. در این زمینه یکی از نخستین بسترهای چالش‌برانگیز در قبال ماهیت این پدیده، رویکرد فقهی به آن است. از دید فقهی، «چون پس از اثبات، بر پولشو لازم است کلیه عواید حاصل از گردش ثروت را از باب

تصرف اموال دیگران به صاحبان آن مسترد دارد و یا در صورت مجهول‌المالک بودن، رد مظالم نموده و یا در اختیار حاکم مسلمین قرار دهد ولی در خصوص وصف مجرمانه آن تردید وجود دارد، چون فرض بر این است که درآمدهای ناپاک از راه نامشروعی که عمدتاً خود به عناوین مجرمانه متصف هستند مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، اختلاس، ارتشا و قاچاق کالا و جرائم علیه اموال» به دست آمده‌اند (سالارزائی، ۱۳۹۰: ۱۴۲). از سوی دیگر موارد تطهیر مال حرام در فقه شامل پولشویی نمی‌شود، زیرا «میان تطهیر پول و خمس مال حلال مخلوط به حرام هیچ وجه شباهتی نیست؛ چراکه در تطهیر پول بحث از ارتکاب جرائم منشا و درآمد حاصل از آن جرائم است و همچنین دارنده درآمد علم و آگاهی به حرام و نامشروع بودن این اموال دارد و به‌منظور فرار از مجازات و پیامدهای قانونی آن اقدام به تطهیر می‌نماید. حال آنکه در بحث خمس، بحث از جرائم منشا و درآمد حاصل از آن نیست؛ بلکه شخص با پرداخت خمس به دنبال پاک و تطهیر کردن واقعی اموال خود است» (مطهری‌خواه، ۱۳۹۵: ۱۱۰). این گفته‌های دوگانه درباره جایگاه فقهی پولشویی خود می‌تواند پی‌ریزی یک نظام کیفری و پیشگیرانه در قبال پولشویی را به چالش بکشد.

ویژگی دیگر پولشویی، از حیث موقعیت رفتارهای آن است. ماهیت ثانوی پولشویی نشان می‌دهد که این پدیده بدون درک جرائم منشا، مبهم است و به همین نحو تمرکز تدابیر پیشگیرانه بر آن می‌تواند سنجیت این تدابیر را با تدابیر پیشگیرانه از جرائم منشا زیر سؤال ببرد، زیرا تدابیر سختگیرانه در قبال پولشویی و گستره فراگیر آن در صورت عدم توفیق تدابیر پیشگیرانه از جرائم منشا، در عمل شفافیت را در همان مرحله ثانوی فرایند جرم منشا به جرم پولشویی محدود می‌کند. «این بدین معنا نیست که جرم پولشویی، جرمی وابسته به جرم مقدم است و محکومیت مرتکب پولشویی، منوط به اثبات محکومیت جرم مقدم است» (خوئینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). با این حال ممکن است گفته شود که تدابیر پیشگیرانه از پولشویی ارتباط تنگاتنگی با جرائم منشا ندارد، چراکه در نهایت به‌صورت پدیده مجرمانه مستقل ثابت می‌شود و مرتکب آن نیز بر همین اساس مستوجب ضمانت اجراهای کیفری و مدنی می‌شود که چه‌بسا در این میان اساساً جرم منشا ثابت نشود یا کسی در قبال این جرم به محکومیت کیفری نرسد. «اما آنچه می‌تواند وجه ممیزه جرم پولشویی از سایر جرائم ثانویه قرار گیرد، آن است که جرم پولشویی اگرچه در زمره جرائم ثانویه قرار می‌گیرد، متصف شدن این جرم به این وصف از جرائم ثانویه که منوط به اثبات جرم اولیه است، عملاً کارایی جرم پولشویی را مخدوش و نیل به هدف غایی مقنن در جرم‌انگاری پولشویی را مختل می‌سازد. ایده جرم‌انگاری پولشویی با توجه به ناتوانی کشورها در مبارزه با جرائم سازمان‌یافته شکل گرفت و چنانچه احراز جرم پولشویی را به‌عنوان جرم ثانویه، منوط به اثبات

جرم منشأ نمایم، این امر عملاً از کارایی جرم پولشویی در پیشگیری از جرائم اولیه و جرم منشأ خواهد کاست» (زرنشان و شجاعی نصرآبادی، ۱۳۹۶: ۱۸۳).

از سوی دیگر در رابطه پولشویی با جرم منشأ گاه فرایند پولشویی قابل انجام است، ولی به سبب جرم نبودن منشأ، پیگرد پولشویی یا پیشگیری از آن نیز منتفی می‌شود. از این رو «چنانچه منشأ و منبع مال حاصل از جرم نباشد و به عبارتی مال ناشی از اعمال نامشروعی باشد که خود این اعمال عنوان مجرمانه ندارند، ماند مال حاصل از تدلیس در معامله یا دریافت وجه ناروا از دیگری که عنوان کیفری بر آن صادق نباشد، در این صورت رفتار مرتکب حتی با وجود علم و عمد پولشویی نیست» (رستمی، ۱۳۹۸: ۴۰۴).

موضوع پولشویی نیز خود چالشی برای پیشگیری است. موضوع پولشویی فراتر از آن چیزی است که صرفاً در مبادلات نهادهای مالی دیده می‌شود. غیر از اموالی که ممکن است مابه‌ازای آنها به صورت پول در اختیار نهادهای مالی قرار نگرفته باشد، همچنین «موضوع جرم پولشویی گاهی هم داشتن اطلاعاتی درباره عایدات ناشی از جرم است ... بدین صورت که هر شخصی در مورد ماهیت واقعی، منبع و... عواید مجرمانه اطلاعاتی کسب کند ولی از بیان آنها خودداری ورزد، مرتکب جرم پولشویی شده است» (ساریخانی و فتحی، ۱۳۹۴: ۳۲۶). در این صورت متناسب‌سازی یک رویکرد مشخص در قبال تضاد رازداری و شفافیت با دشواری همراه خواهد بود.

۶. رازداری در عمل و شفافیت در تئوری در پیشگیری از پولشویی

در جولای ۲۰۱۶ کمیسیون اروپا در اصلاح رهنمود شماره ۱۰۱ مصوب ۲۰۰۹ به شکاف‌هایی اشاره می‌کند که در میان دول اروپایی در پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم وجود دارد و یکی از مهم‌ترین آنها، شکاف ناشی از اعتماد به اقدام قانونی در زمینه ارتباطات الکترونیکی و ثبت‌های رایانه‌ای است (Patricia, 2019: 61)؛ این بیانی از دغدغه کشورها درباره مرز توسعه تدابیر پیشگیری از پولشویی است. پیشگیری از پولشویی تماماً وابسته به همکاری نهادها و مؤسسات مالی یا همه اشخاص حقوقی و حقیقی است که به گونه‌ای با عواید حاصل از جرم مرتبط‌اند. با این حال این اشخاص در عمل به رازداری بانکی گرایش دارند. براساس پژوهشی «شناسایی، ارزیابی و مدیریت ریسک پولشویی بیشترین تأثیر را در پیشگیری و مبارزه با پولشویی دارد و تأثیر سازمان‌های غیربانکی در پیشگیری و مبارزه با پولشویی از سهم کمتری نسبت به متغیرها برخوردار است» (ابوالحسنی هستیانی و دانیالی، ۱۳۹۷: ۲۳). متغیرهای «اراده، دانش، تعامل و شناخت» (عباسی و رومی، ۱۳۹۷: ۲۲۶) چهار متغیر بنیادین برای نهادهای مالی در زمینه تجهیز معنوی برای پیشگیری از پولشویی‌اند که باید به صورت هماهنگ مستقر باشند تا تأثیر اقدام‌های پیشگیرانه ملموس باشد،

ولی در عوض هریک از این متغیرها می‌تواند بنا به دلایل متفاوتی با دیگری ناسازگار شود یا تأثیر منفی بر آن بگذارد.

هرچند اقدام‌های کیفی، تأمینی، انضباطی و اداری برای مبارزه با پولشویی به تدریج در حال افزایش است، ولی حتی اقدام‌های قهرآمیز یا برهم زدن قواعد رویارویی با جرم نیز در این زمینه کارساز به نظر نمی‌رسد؛ برای نمونه «معکوس کردن بار اثبات چندان معقول به نظر نمی‌رسد. حتی اگر نهادهای داخلی بخواهند در این زمینه عمل کنند باز موقعیت خود را در گرو رازداری می‌بینند و اطلاعاتی که با آن پیوند دارد» (Alexander, 2007: 53). در واقع رازداری بانکی در مواجهه با پیشگیری از پولشویی همزمان هم نیروی خنثی‌کننده دارد و هم نیروی جهت‌دهنده.

از سوی دیگر، با وجود گرایش‌های نهادهای مالی به رازداری، همچنین گفته می‌شود که به‌طور معمول بسترهای تشخیص پولشویی و پیشگیری از آن برای این نهادها فراهم است، زیرا در مبادلات مالی که هسته اصلی آن قواعد مشخص اقتصادی و نیز الزامات حسابرسی است، در هر حال امکان تشخیص عملیات مشکوک یا رفتارهای ناهمخوان با رفتارهای معمول و قانونی وجود دارد، چراکه «برخی داده‌ها تنها در صورتی شک‌برانگیز و تعجب‌آور هستند که در مقایسه با داده‌های حوزه یا بافت خود مقایسه شوند. این داده‌ها داده پرت بافتاری نامیده می‌شوند... از آنجا که تناسبی بین صورت حساب‌های بانکی مرتکبین جرم پولشویی (قاچاقچیان مواد مخدر، سارقین، گردانندگان باندهای فساد و فحشا، آدم‌رباها و غیره) و درآمد‌های قانونی (شغل قانونی و واقعی این افراد) وجود ندارد؛ لذا وضعیت مالی ایشان در مقایسه با سایر افراد از بافت قانونی ایشان در دسته داده‌های پرت بافتاری قرار می‌گیرد» (فرخیان و چاله‌چاله، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

بازتشخیص مسیرهای متفاوت مبادلات مالی ناشی از رفتارهای قانونی غیرقانونی بستگی بسیار زیادی به نوع و ساختار اقتصادی یک کشور دارد. هرچند «فرمولی که در عملیات پولشویی محاسبات و مناسبات اقتصادی را به هم می‌ریزد جز این نیست که اگر اقتصاد یک جامعه را به مثابه یک مجموعه منسجم در نظر بگیریم که ورودی و خروجی معین و کنترل‌شده‌ای دارد، عواید حاصل از پولشویی که در مجموعه اقتصاد تولید نشده و جزء ورودی اقتصاد نیست، دفعتاً و بدون رعایت تناسب در به‌کارگیری، وارد چرخه اقتصاد شده و چون از سیطره کنترل نهادهای کنترلی (دولت یا بخش خصوصی) خارج است، موجب ایجاد اختلال و صدمه جبران‌ناپذیر می‌گردد» (جانی‌پور و معروفی، ۱۳۹۲: ۱۳۸)، ولی اگر بخش چشمگیری از اقتصاد یک کشور، محصول اقتصاد سیاه یا قاچاق و پولشویی باشد، در این صورت نمی‌توان فرمول مشخصی ارائه داد که نشان دهد فعالیت‌های اقتصادی نامشروع و به‌ویژه پولشویی یک پدیده استثنایی و نادر در کنار رفتارهای اقتصادی مشروع است و به‌راحتی قابل تشخیص است.

بستر اقتصادی ناسالم و جلوه‌های تحقق غیرمتعارف یا بیرون از نظم و چرخه اقتصادی جهانی، ذاتاً با پیشگیری از پولشویی متعارض است و نمی‌توان سخن از شفافیت گفت. اگر متصدیان پیشگیری از پولشویی بخواهند در این بستر بر شفاف‌سازی مبادلات مالی به صورت فراگیر و یکطرفه اصرار کنند، در این صورت غیر از نقض محرمانگی، عارضه دیگری به نام امنیتی‌سازی فضای مبادلات اقتصادی در کنار تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. هرچند در بادی امر در مقام ارجحیت بخشیدن به شفافیت بانکی در برابر محرمانگی، در هر حال ممکن است امنیتی‌سازی ظاهر شود؛ همچنان‌که در تعارض میان رازداری بانکی و اقدام‌های پیشگیرانه گفته می‌شود «گرچه افراد و حقوق آنها مصون از تعرض اند ولی در صورت ارتکاب جرم یا وجود امارات یا دلایل قوی بر وقوع جرم با رعایت موازین قانونی، حقوق مزبور قابل خدشه است. چون یک مصلحت مهم‌تر از حفظ حقوق شخصی افراد یعنی حفظ نظم اجتماعی و تضمین امنیت جامعه وجود دارد. در واقع این به معنی حرکت به سمت و سوی امنیت‌گرایی است» (شاملو و مرادی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

شفافیت ارزشی است که از دو بعد کلان می‌تواند در عمل ناکام شود؛ یکی از این حیث که نهادهای مالی در این زمینه گزینشی ندارد و باید برای شفاف‌سازی در مبادلات مالی الزام شود. دیگری بسترهای لازم برای یک جامعه پویا با اقتصاد سالم و الگوگرفته از شیوه‌های شناخته‌شده بین‌المللی که اگر این بسترها نباشد، باز شفافیت امکان‌پذیر نخواهد بود.

۷. نقش همکاری‌های بین‌المللی در پیوند محرمانگی و شفافیت

بستر اصلی پولشویی الکترونیکی، ارتباطات مالی فرامرزی است. ارتباط فرامرزی بانک‌ها و نهادهای مالی در بیشتر کشورهای جهان سبب می‌شود تا نقل و انتقال‌های مالی در لوای توافق امن و محرمانه میان بانک‌ها و نهادهای مالی انجام گیرد. در کشورهایی مانند ایران که ارتباط مالی و بانکی رسمی با بانک‌های جهان ندارد، این صرافی‌ها و گاه نهادهای مالی ناشناخته یا غیرمجازند که ارتباط بین‌المللی برای جابه‌جایی پول را انجام می‌دهند.

پیشگیری از پولشویی در بعد بین‌المللی خود به‌طور فراگیر سمت و سوی شفافیت را دارد تا محرمانگی. پس از دستورالعمل کمیسیون اروپا درباره شفاف‌سازی در رویارویی با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در سال ۲۰۱۶، آنچنان تدابیر شفاف‌سازی سختگیرانه شده که آن را سیاست خداحافظی با اعتماد و برتری شفافیت بر حریم خصوصی نام نهاده‌اند (Wong, 2017: 145).

نهادهای بین‌المللی هم طراح تدابیر پیشگیری از پولشویی و هم ارائه‌کننده الگو در رویارویی با این پدیده‌اند. رهنمودهای چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی و نظارت مستمر و دقیق این سازمان بین‌دولتی از یک سو و رهنمودها و راهکارهای دقیق و گاه سختگیرانه کمیسیون اروپا برای

کشورهای اروپایی از سوی دیگر بیان‌کننده جدید در زمینه شفاف‌سازی است؛ به گونه‌ای که در برخی برنامه‌ها و طرح‌هایی که کمیسیون اروپا در پی آن است «نقض پیوند محرمانگی میان وکیل و موکل دیده می‌شود به گونه‌ای که وکیل باید فعالیت‌های مشکوک موکل خود را به منظور مقابله با پولشویی به مقام‌های صلاحیت‌دار گزارش کند» (Frattini, 2007: 61).

جدا از اسناد سازمان ملل و رهنمودهای گروه ویژه اقدام مالی در رویارویی با پولشویی، دو اقدام مهم بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی به‌طور مستقیم درباره بانک‌هاست که باز نشان می‌دهد تداوم تلاش‌های بین‌المللی برای رویارویی با پولشویی در مقام ارجحیت‌بخشی به شفافیت مبادلات مالی در برابر رازداری بانکی است: نخست، کمیته بازل درباره نظارت بانکی. این نهاد تدابیر پیشگیری از به‌کارگیری مجرمانه سامانه بانکی برای ارتکاب پولشویی را در سال ۱۹۸۸ تصویب کرد. این کمیته «بر اصول اخلاقی و کدهای رفتاری متمرکز است و سه اصل شناسایی مشتری و درک تجارت وی، عدم پذیرش معاملات مشکوک و همکاری با نهادهای مجری قانون را در پیش گرفت. در اکتبر ۲۰۰۱، کمیته بازل «کوشش شایسته مشتری برای بانک‌ها» را منتشر کرد که راهنمایی‌های عمیقی درباره این قاعده ارائه می‌دهد. زمینه‌های کلیدی این سند عبارت‌اند از: اهمیت استانداردهای شناخت مشتری برای متصدیان بانکی و بانک‌ها. عناصر اساسی استانداردهای شناخت مشتری و نقش متصدیان اجرای استانداردهای شناخت مشتری در یک زمینه فرامرزی. عناصر فرایند شناخت مشتری بیشتر اغلب عبارت‌اند از: سیاست پذیرش مشتری، شناسایی مشتری، نظارت مداوم بر حساب‌ها و معاملات و مدیریت ریسک» (The World Bank, 2009: 269).

دوم، گروه ولفسبورگ. «در اکتبر ۲۰۰۰، تعدادی از بانک‌های خصوصی بین‌المللی در مورد مجموعه دستورالعمل‌های جهانی ضدپولشویی برای اداره تجارت بانکی خصوصی توافق کردند. این دستورالعمل‌ها در می ۲۰۰۲ تجدیدنظر شده، به‌عنوان راهنمای مهم جهانی برای تجارت سالم در بانکداری خصوصی بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. این انتشارات آموزنده توسط گروه ولفسبورگ شامل بیانیه‌هایی در زمینه سرکوب تأمین مالی تروریسم، اصول ضدپولشویی در بانک‌ها و دیدبانی، غربالگری و تحقیق بانکی است» (Ibid: 270).

این رویه‌ها، مقرره‌ها، اقدام‌ها و نگرش‌های بین‌المللی تماماً در راستای موظف کردن دولت‌ها به فرعی‌سازی اصل رازداری بانکی در برابر اصل شفافیت است، به‌ویژه آنکه ارتباط تنگاتنگ پولشویی با تأمین مالی تروریسم همواره نهادهای بین‌المللی را نگران می‌کند. از این رو در دید نهادهای بین‌المللی «شناسایی مشتری برای ایجاد رژیم مؤثر در قبال مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم کلیدی است. احتیاط مرتبط با مشتری و رویه‌های جاری به این منظور انجام می‌شود که یک مؤسسه مالی بتواند گرایش معقولی مبنی بر اینکه هویت واقعی هر مشتری را

می‌داند و با اطمینان از انواع مشاغل و معاملات مشتری آگاه است، انجام دهد. ارائه‌دهندگان خدماتی که پول یا ارزش را انتقال می‌دهند، باید شناسایی مشتری و تأیید هویت مشتری با استفاده از اسناد، داده‌ها یا اطلاعات منبع معتبر و مستقل انجام دهند» (Chatain *et al.*, 2008: 35).

نهاد اصلی که در عموم کشورهای جهان برای کمرنگ کردن محرمانگی بانکی گام برمی‌دارد، واحد اطلاعات مالی است. هرچند «بیشتر واحدهای اطلاعات مالی، موضوع مقررات مربوط به محرمانگی قرار می‌گیرند که مبادله اطلاعات را با نهادهای دیگر هم در بعد ملی و هم در بعد بین‌المللی محدود می‌کند. اگرچه بیشتر مقررات رازداری امکان تبادل اطلاعات با واحدهای اطلاعات مالی خارجی را فراهم می‌کند، همچنان تحت مقررات سختگیرانه رازداری بانکی قرار می‌گیرند. مفاد مقررات مربوط به رازداری داخلی دولت پذیرنده تقریباً به‌طور قطع در مورد اطلاعات دریافتی از خارج اعمال می‌شود. افزون‌بر این در بیشتر تفاهم‌نامه‌های مربوط به همکاری در پیشگیری از پولشویی، به مقررات محرمانگی اشاره می‌شود» (Stessense, 2000: 278). این واحدهای اطلاعات مالی براساس مقررات سختگیرانه بین‌المللی و تقریباً به‌صورت هماهنگ اقدام می‌کنند، ولی «شیوه اقدام این واحدها در کشورهای جهان دقیقاً همانند هم نیست؛ با این حال سازوکارهای این واحدها درباره پولشویی از طریق پرداخت‌های سایبری در حال افزایش و نزدیک شدن به هم است» (Silathong, Ibid:17). پرداخت‌های سایبری اگرچه از حیث شیوه در حال متمرکز شدن‌اند، ولی از نظر مدیریت، غیرمتمرکزند و «هیچ مرکز صلاحیت‌دار واحدی برای ممانعت از دسترسی به شبکه رمزارزها وجود ندارد» (کدخدایی و نوروزپور، ۱۳۹۹: ۲۰). در ایران نیز در سال ۱۳۹۷ و به موجب ماده ۷ مکرر قانون اصلاح مبارزه با پولشویی تأسیس شد. این واحد با الگوبرداری از توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی تشکیل شده است. از این رو طبق بند «د» ماده پیش‌گفته، همکاری و تبادل اطلاعات با مراکز مشابه در سایر کشورها، سازمان‌ها، مجامع منطقه‌ای، بین‌الدولی و بین‌المللی ذی‌ربط مطابق قوانین و مقررات از وظایف واحد اطلاعات مالی ایران است.

نتیجه

حق محرمانگی و اصل شفافیت، براساس پشتوانه‌های خود، توجیه‌پذیرند و به‌واسطه همین پشتوانه‌ها، همواره با هم در ستیزند. اصل محرمانگی که رازداری بانکی بخشی از آن تلقی می‌شود، گرایش ذاتی و غریزی انسان‌ها به مخفی کردن دارایی خود از دیگران و فعالیت‌های مرتبط با آن است. در برابر اصل شفافیت نیز براساس هویدا ساختن همه فعالیت‌های مالی اعم از تجاری، اقتصادی و بانکی است که به مقتضای خروج هر شخص از محدوده حریم خصوصی خود و ورود به حریم عمومی فعالیت‌های مرتبط با پول یا مال، باید این اقتضا را بپذیرد که در رفتارهایش در

زیر سایه اصل شفافیت باشد تا از رهگذر آن اصل تساوی میان فعالیت‌های مالی شهروندان و اشخاص حقوقی برقرار باشد. بدین حال اصل شفافیت ماهیتی جمعی، مساوات‌محور و جهانی دارد که به واسطه الگوهای جهانی اقتصاد و مبادلات پولی و بانکی، اعتبار و رسمیت می‌یابد.

ویژگی‌های متضاد حق محرمانگی و اصل شفافیت، سبب می‌شود تا هریک از این دو، مزاحم آن دیگری باشد. در بیشتر کشورهای جهان و نیز در موافقت‌نامه‌های میان این کشورها یا همکاری‌هایی که در سطح بین‌المللی انجام می‌گیرد، حق محرمانگی به‌عنوان یک قید همواره در کنار اصول و تدابیر پیشگیری از پولشویی دیده می‌شود، ولی در عمل، حق محرمانگی و اصل شفافیت کاملاً وابسته به میزان همکاری کشورها با سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی در این زمینه به‌خصوص گروه ویژه اقدام مالی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است.

در ایران، علت، شیوه و فرایند مبارزه با پولشویی بسیار چالش‌برانگیز بوده است و ازاینرو نمی‌توان به‌درستی نسبتی میان اصل محرمانگی و اصل شفافیت در مبادلات مالی و پولی در ایران برقرار کرد. از یک سو، به اصل محرمانگی و به‌ویژه رازداری بانکی در قانون اصلاح مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۹۷ اشاره نشده و مقرره‌های سختگیرانه این قانون به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد اساساً حساب‌ها، اطلاعات و مبادلات بانکی در دیدبانی واحد اطلاعات مالی قرار دارد، ولی از سوی دیگر این نادیده گرفتن اصل محرمانگی لزوماً به معنای تقویت اصل شفافیت نیست. در دهه نود، یکی از چالشی‌ترین موضوعات کیفری، امنیتی و سیاسی در ایران، پیوند با گروه ویژه اقدام مالی بوده است، به‌گونه‌ای که در اثر فشارهای این گروه و نیز فشارهای بین‌المللی، از چهار لایحه پیشنهادی دولت در راستای همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، دو مورد به قانون مبدل شد که یکی قانون مبارزه با پولشویی و دیگری قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم است و دو مورد دیگر الحاق به دو سند بین‌المللی مهم یکی درباره جرائم سازمان‌یافته فراملی و دیگری درباره تأمین مالی تروریسم نیز به فرجام نرسیده است. این فشارهای بین‌المللی و پایداری ایران در راستای همکاری‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران با نگرش منفی و بدون توجه درصدد همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با پولشویی نیست. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که قانون مبارزه با پولشویی که اساس آن بر عملکرد واحد اطلاعات مالی در ارتباط با واحدهای اطلاعات مالی کشورهای دیگر است، در عمل به شفافیت بینجامد.

تدابیر پیشگیری از پولشویی به‌ویژه پولشویی الکترونیکی که در بستر جهانی ارتکاب می‌یابد، ماهیتاً چهره‌ای بین‌المللی دارند و اغلب هم تصدی‌گری مبارزه با پولشویی در سطح جهانی و به محوریت گروه ویژه اقدام مالی است؛ در نتیجه ایران نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون همکاری‌های بین‌المللی در راستای مبارزه با پولشویی گام بردارد. ازاین‌رو باید گفت، مبارزه با پولشویی در ایران

داستان شگفت‌انگیز و غمباری است که هم اصل محرمانگی را نادیده می‌گیرد و هم اصل شفافیت را به قربانگاه می‌برد. نادیده گرفتن اصل محرمانگی را از این حیث که قانون مبارزه با پولشویی اساساً محملی برای کنترل اطلاعات مالی و بانکی و دسترسی به آنهاست و قربانی کردن اصل شفافیت را از این حیث که ایران همکاری‌ها در راستای مبارزه با پولشویی را نمی‌پذیرد و در بستر فسادآلود خود در پی مبارزه با پولشویی است. مبارزه‌ای که خود به فساد می‌انجامد.

راهکار غالب در جهان امروز با ویژه سیاست‌های گروه ویژه اقدام مالی و نیز دستورالعمل ۲۰۱۶ کمیسیون اروپا درباره سازوکارهای شفاف‌سازی حداکثری، کم‌رنگ کردن محرمانگی تبادل‌های مالی است، ولی نمی‌توان فراموش کرد که این سیاست حداکثری چهره‌ای فراقضایی یافته است و دیگر نمی‌توان آن را سیاست جنایی در رویارویی با پولشویی دانست. برادرخواندگی با تأمین مالی تروریسم و نیز تولید و اشاعه جنگ‌افزارهای ممنوع با پولشویی سبب شده است تا به‌طور فراگیر، شفاف‌سازی بر محرمانگی چیره شود، موقعیت سختگیرانه‌ای که شاید پولشویی سزاوار آن نباشد.

براساس انگاره «توسعه‌یافتگی با کاهش فساد رابطه مساوی دارد» (Brody, 2020: 132)، راهبرد اصلی این نوشتار در الگوپذیری از کشورهای پیش‌رو در این زمینه از یک سو و پذیرش جایگاه بین‌المللی پولشویی الکترونیکی و در نتیجه جایگاه جهانی تدابیر پیشگیری از آن از سوی دیگر است. در این زمینه اولاً باید پولشویی از حوزه نفوذهای سیاسی، امنیتی و نظامی خارج شده و به حوزه کیفری، قضایی و اقتصادی سپرده شود؛ ثانیاً تدابیر مبارزه با پولشویی براساس الگوهای بین‌المللی و با پیوند زدن میان واحد اطلاعات مالی ایران با دیگر کشورها، ترسیم شود؛ ثالثاً دو اصل محرمانگی و اصل شفافیت به‌واقع و در معنای راستین خود مورد احترام همه نهادها قرار بگیرند، با این قید که اصل فراگیر، همان اصل محرمانگی است، مگر اینکه اصل شفافیت براساس معاملات و عملیات مشکوک، اصل محرمانگی را کنار بزند تا زمینه فسادستیزی و برابری در سطح کلان در جامعه فراهم شود.

منابع

الف) فارسی

۱. ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ دانیالی، قربان (۱۳۹۷). «تدوین الگوی راهبردی پیشگیری از پولشویی در ساختار بانکی کشور ایران (مطالعه موردی: بانک صادرات ایران)»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۶، ش ۴.
۲. ابراهیمی کردلر، علی؛ تحریری، آرش؛ محمدی، علی (۱۳۹۸). «عدم رعایت قانون مبارزه با پولشویی و حق الزحمه حسابرسی»، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۰، ش ۴.

۳. باقری، محمود؛ رحمانی، رؤیا و رحمانی، سعید (۱۳۹۹). «چالش جمع بین منافع عمومی و حقوق خصوصی در رازداری بانکی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، سال پنجاهم، ش ۳.
۴. جانی‌پور، کرم؛ معروفی، مختار (۱۳۹۲). «تحلیلی در لزوم جرم‌انگاری پولشویی (با نگاهی تطبیقی به مدل جرم انگاری پالایش)»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۶.
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ میرمجیدی هاشجین، سیده سپیده (۱۳۹۰). «نقش بانکداری الکترونیکی در پولشویی و روش‌های مقابله با آن»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۵، ش ۱.
۶. خورسندیان محمدعلی؛ فلاح‌دخت درب قلعه، مریم (۱۳۹۶). «تعهد به رازداری بانکی و قلمرو آن در حقوق بانکی ایران، نشریه حقوقی دادگستری»، ش ۹۸.
۷. خوئینی، غفور؛ مسجدرایی، حمید؛ کبیری، سهیل (۱۳۹۶). «درنگی در جرم‌انگاری پولشویی»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال نهم، ش ۱۷.
۸. رستمی، هادی (۱۳۹۸). «تحصیل مال از طریق نامشروع در پرتو مقررات پولشویی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴۹، ش ۲.
۹. زرنشان، شهرام؛ شجاعی نصرآبادی، محمد (۱۳۹۶). «ضرورت جرم‌انگاری پولشویی مستقل از جرم منشأ»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۴.
۱۰. ساریخانی، عادل؛ فتحی، مرتضی (۱۳۹۴). «عناصر موضوعی جرم پولشویی در قانون مبارزه با پولشویی ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۲، ش ۴ و ۵.
۱۱. سالارزائی، امیرحمزه (۱۳۹۰). «عدم اعتبار جرم‌انگاری پولشویی از منظر فقه و حقوق ایران»، *پژوهش‌های فقهی*، سال هفتم، ش ۴.
۱۲. شاملو، باقر؛ مرادی، مجید (۱۳۹۲). «تحدید تضمینات دادرسی عادلانه در پرتو امنیت‌گرایی در جرم پولشویی»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۸۱.
۱۳. عامری، آرزو (۱۳۹۷). رابطه رازداری بانکی و جرم پولشویی در حقوق کیفری ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی، اولین همایش بزرگ مطالعات و پژوهش‌های علمی علوم انسانی، تهران، <https://civilica.com/doc/946247>.
۱۴. عباسی، ابراهیم؛ رومی، محمدصادق (۱۳۹۷). «بررسی نقش دستگاه‌های نظارتی و حسابرسی در قبال قانون مبارزه با پولشویی»، *مجله دانش حسابرسی*، سال هجدهم، ش ۷۰.
۱۵. فرخیان، علی؛ چاله‌چاله، عبدالله (۱۳۹۸). «کشف تراکنش‌های مشکوک به پولشویی براساس الگوی بافتاری حساب‌های بانکی»، *دانش حسابرسی*، سال نوزدهم، ش ۷۴.
۱۶. کدخدایی، عباسعلی؛ نوروزپور، حسام (۱۳۹۹). «چالش‌های ارزش‌های مجازی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر اقدامات و توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۶۲.
۱۷. مطهری‌خواه، ذبیح (۱۳۹۵). «بررسی فقهی حکم پولشویی از دیدگاه امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، سال هجدهم، ش ۷۰.
۱۸. والش، باب (۱۳۹۷). *حسابرسی ضد پولشویی و کنترل‌های مربوط به آن*، ترجمه وحید ملا امینی و احمد خالقی بیگی، ج اول، تهران: کتیبه.

(ب) انگلیسی

19. Alexander, A.C.H (2007). *Insider Dealing and Money Laundering in the EU: Law and Regulation*, Ashgate Publishing Limited.
20. Alldridge, Peter (2003). *Money Laundering Law; Forfeiture, Confiscation, Civil Recovery, Criminal Laundering and Taxation of the Proceeds of Crime*, Hart Publishing, Oxford and Portland, Oregon.
21. Brody, Richard G and others (2020). "The need for anti-corruption policies in developing countries", *Journal of financial crime*, Vol. 28, No 1.
22. Cassella, Stefan (2019). "Hurdling the sovereign wall: How governments can recover the proceeds of crimes that cross national boundaries", *Journal of money Laundering control*, Vol. 22, No. 1.
23. Chatain, Pierre-Laurent and Hernandez-Coss, Raul and Borowik, Kamil and Zerzan, Andrew (2008). *Integrity in mobile phone financial service; Measures for Mitigating Risks from Money Laundering and Terrorist Financing*, The International Bank for Reconstruction and Development/The World Bank.
24. Demetis, Dionysios S (2010). *Technology and Anti Money Laundering: A system theory and risk-based approach*, Edward Elgar Publishing Limited.
25. Frattini, Franco (2007). initiatives of the European commission, in: *anti money laundering: international law and practice*, edited by wouter H. Muller and Christian H, Kalin and John G. Goldsworth, John Wiley and Sons Ltd.
26. Guttman, Robert (2003). *Cybercash: The coming era of electronic money*, Palgrave Macmillan, First published.
27. Lee, Madeline (2004). *Anti money laundering laws and regulations in Singapore*, in: *A comparative guide to Anti-Money Laundering; A critical analysis of system in Singapore, Switzerland, the UK and the USA*, edited by Mark Pieth and Gemma Aiolfi, Edward Elgar Publishing Limited.
28. Patricia, Godinho Silva (2019). "Recent development in EU legislation on money laundering and terrorist financing", *New Journal of European Criminal Law*, Vol. 10, No. 1.
29. Pavlidis, George (2020). "Financial information in the context of anti-money laundering: Broadening the access of law enforcement and facilitating information exchanges", *Journal of money Laundering control*, Vol. 23, No. 2.
30. Silathong, Komkrich (2021). *Financial Intelligence Unit and the prevention of money laundering; a comparative analysis of financial intelligence unit in the United Kingdom, Singapore and Thailand*, Ph.D. Thesis, University of the West England.
31. Stessens, Guy (2000). *money Laundering: A new international law enforcement model*, Cambridge University Press.
32. The World Bank (2009). *Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism: A Comprehensive Training Guide*, The International Bank for Reconstruction and Development.
33. Wong, Simone (2017). "The New EU Anti-Money Laundering Directive: Farewell to transparency of UK trusts", *Trust Law International*, Vol. 31, No 3.
34. A. J. Neumann, N. Stat land and R. D. Webb (1977). "Post-processing audit tools and techniques" , US Department of Commerce, National Bureau of Standards.